



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

گزارش‌های بازتاب یافته در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، نشان از امنیتی‌تر شدن و سرکوب شدیدتر دارد. این موضوع را محاصره و تیراندازی شب دهم مهر در دانشگاه شریف به‌نمایش گذاشت. امروز دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ سومین روز اعتصاب سراسری دانشجویان در اعتراض به سرکوب فراگیر و محکومیت فاجعه‌ی حمله به دانشگاه شریف، در خیابان‌ها، مدارس و همه‌ی عرصه‌های رودرویی با کلیت نظام ادامه یافت.

همه فریاد بر می‌آورند: دانشجویان عزیز ما را نزنید. به بند و زنجیر نکشید. به گلوله نیندازید. آنان سرمایه‌های این آب و خاکند. آنان فرزندان زحمتکشان این سرزمینند. شما پیشتر خواهران، برادران و پدران‌شان را در نزارهای ماهشهر به رگبار گلوله جنگی بستید، در زاینده رود خشک شده با ساچمه‌های مزدورانتان سوراخ سوراخ کردید. برادران‌شان را از کارخانه‌ها به خیل انبوه ارتش بیکاران راندید و در رهوت زاهدان، آتش مسلسل‌های‌تان را بی پروا بر روی مردم بی دفاع گشودید. به شما فرمان می‌دهیم: بس کنید! دیری نخواهد پایید که طومار شما را در می‌نورسیم!

دانشجویان دانشگاه تهران پیشتر برای پیوستن به اعتصاب سراسری دانشگاه‌ها اعلام داشتند: «... امروز که سراسیمه و با واهمه از یکی‌شدن دانشگاه و خیابان، درهای دانشگاه را که رو به خیابان بود به روی ما بسته‌اند تا این‌بار عریان و بی‌پرده جولانگاه نیروی حراست و امنیتی شود؛ امروز که رد تاریخ بر خیابان است، تاریخ مبارزه با ستم، شوریدن علیه تباهی، جنگ با «فقر و فساد و بیداد» برای «نان، کار، آزادی و پوشش اختیاری» امروز که فریاد «نه روسری، نه توسری» از تاریخ سر برآورد و با آمیختن با فریاد اکنونی «آزادی و برابری»، راه آینده را نوید می‌دهد؛ امروز که خیابان، نماد مبارزه را، «ژینا» را، زن را، زندگی را، آزادی را، چشم در چشم تباهی حاکم فریاد می‌زند؛ در میانه‌ی این شکوه مبارزه و همبستگی، ما جمعی از فعالین صنفی دانشگاه تهران، در کنار دیگر صنف‌ها به فراخوان اعتصاب سراسری پیوسته و از شرکت در کلاس‌های مجازی خودداری می‌کنیم. همچنین از تمامی فعالین دانشجویی، شوراهای صنفی و دیگر نهادهای دانشجویی دعوت می‌کنیم که به این اعتصاب بپیوندند.

خطاب به اساتید و بدون لکنت می‌گوییم که دستان همبستگی مردم را رها نکنند. مهسا را، محسن را، عبدالله را، نوید را و هزار ستاره‌ی دیگر را که می‌توانستند بهترین شاگردان شما و نزدیکترین دوستان ما باشند. آنان اکنون ستاره شدند. فراموش نکنیم.

تاریخ مبارزه، به کودکان ما که بسیاری‌شان پیش از آمدن به دانشگاه، سینه بر خاک می‌سایند، آموخته که «نباید ترسید» امروز به خیابان نگاه کنیم، بار دیگر این درس را مشق می‌کند: «راه که بیفتیم ترسمان می‌ریزد.» آنچه شامگاه دیروز (دهم مهر) در دانشگاه شریف حادث شد، پاسخ به فراخوان اعتصاب و در پی آزادی به بازداشت ۴ دانشجوی دانشگاه شریف بود. دانشجویان بازداشت شده که وعده‌ی آزادی آن‌ها با قید وثیقه داده می‌شود، هنوز آزاد نشده‌اند و این توهینی آشکار به دانشجویان مطالبه‌گر بود. به ناگهان در چشم بهم زدنی شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» گُر می‌گیرد و همه چیز با آغاز هجوم گزمکان امنیتی و نیروهای بسیجی دانشگاه شریف، بدل به شبانگاهی پُر دلهره و هراس و دستگیری‌ها و شکار دیگر باره‌ی دانشجویان و سوار و ن کردن آنان می‌گردد.

دانشجویانی که شاهد دستگیری ددمنشانه‌ی دوستان خود هستند، با شعارهایی واکنش نشان می‌دهند. در مقابل پاسخ نیروهای لباس شخصی، تیراندازی با تفنگ «پینت‌بال» و ساچمه‌ای به‌سمت دانشجویان است. دانشجویان پیام یاری‌رسانی سر می‌دهند. به چشم برهم زدن تهران به سمت خیابان آزادی به حرکت درمی‌آید تا فضا را بر پیشروی نیروی سرکوب تنگ سازد! با بوق زدن سرنشینان خودرورها و فریاد مرگ بردیکتاتور سردادن جمعیت آمده در صحنه، فضا را بر نیروی سرکوب هر چه تنگتر می‌کند. در این وضعیت حتی حضور رییس دانشگاه صنعتی شریف دکتر رسول جلیلی، معتمد خامنه‌ای و معاونین، کارساز نیست. برآورد می‌شود در این مرحله، حداقل ۳۰ الی ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شریف، دستگیر شده باشند. از وضعیت اکثر این دانشجویان و نهاد بازداشت‌کننده‌ی آن‌ها، هیچ اطلاعی در دست نیست. نگاهی به صورت حادثه بس تلخ دیشب دانشگاه شریف آنچنان لبریز از خشم است که حتی «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف: امروز طی اطلاعیه اعلام می‌دارد: «یکشنبه دهم مهرماه روز خونین دانشگاه بود، روزی که به حقیقت در کنار ۱۸ تیر ۷۸ و ۲۵ خرداد ۸۸ لکه‌ی ننگین دیگری بر کارنامه حاکمیت در برخورد با دانشجویان معترض خواهد بود.» و ادامه می‌دهند: «گرچه دل هر انسان آزاده‌ای با دیدن آن‌چه بر دانشجویان این سرزمین رفت، خون و چشمان هر انسان بینایی، تر خواهد شد اما در پس این خشونت عریان، به نظر می‌رسد سناریویی از پیش طراحی شده برای خفه‌کردن صدای دانشجویان معترض وجود داشته و دانشگاه شریف قرار بود محل عبرت بقیه دانشگاه‌های کشور و البته عقده‌گشایی‌های اقلیتی تندرو شود. ...» و فریاد بر می‌آوردند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ما فاتحه‌ی این دانشگاه را خواندیم، ما فاتحه این وزارت علوم را خواندیم، ما فاتحه این دولت را خواندیم.» و امروز ضرب‌آهنگ شعار: « شریفیا رو کشتن / بگن مهسا نکشتن!» یا فریاد برآوردند: « شریفی‌ها رو کشتید / به ما می‌گید ساکت شید!»



بی‌گمان در شرایط ناکامی حاکمان در برابر پیشروی و مقاومت اعتصاب دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و اعتصاب استادان دانشگاه‌ها و حتی دانش‌آموزان و برخی معلمان دبیرستان‌ها، پهنه‌ی رویارویی با حکومت اسلامی را به نقطه‌ی اوج رسانده است.

پرسش بنیادی این است چرا این تهاجم وحشیانه متوجه دانشگاه شریف شده است؟! زیرا که این دانشگاه، نماد جهانی نو و آرزومندی همه‌ی پیکارگران عرصه‌ی کار و تلاش جامعه‌مان در پیوستن به جنبش عظیم آزادی‌خواهی مردم است؛ و هراس رژیم از جنبش عظیم دانشجویی و به‌ویژه پیوند و پیوستگی دانشجویان پیشرو و مترقی دانشگاه شریف با سایر جنبش‌های مطالباتی زنان، زحمتکشان، بازنشستگان، معلمان، کارگران و ... است.

جنبش دانشجویان و دانش‌آموزان که فرزندان زحمتکشان جامعه هستند، می‌تواند به عنوان مفصلی پیوند دهنده‌ی دیگر جنبش‌های اجتماعی عمل کند، اگر جنبش دانشجویی با سایر جنبش‌های اجتماعی ما پیوند یابد، به عضله‌ای ستبر فرا می‌روید که طومار همه‌ی ارکان حکومت جهل و جنون و جنایت را در هم می‌پیچد. این مهم را دریابیم و در جهت سازمان‌یابی و تحکیم این پیوندها بکوشیم که خود بسان نوک پیکانی‌ست که می‌تواند نقش راهبردی در مبارزه‌ی امروز ما داشته باشد. چنین کنیم و چنین باد!

دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۳ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>